

The Combination of Exterior and Interior in the Quranic Theory of Rites Determining the Cultural Teachings of Surah Mubarakah Hajj

Najmeh Kazemi, *p.h.d student of Qur'anic and Hadith Sciences of Al-Zahra University. Email: r.kazemi502@gmail.com*

Seyyed Majid Emami, *Assistant Professor, Faculty of Islamic Studies, Culture and Communication, Imam Sadeq University. Email: s.m.emamy@isu.ac.ir*

Parvin Baharzadeh, *Associate Professor of Theology Faculty of Al-Zahra University (Corresponding Author). Email: bahar-p@alzahra.ac.ir*

Abstract

The natural desire of humans to have a meaningful view of the surrounding world and to escape from emptiness has caused religion to create a new and meaningful attitude to life as a factor in giving meaning to life. This approach, by presenting an emerging interpretation of man and religion, as well as the relationship between the two, seeks to understand man and the dimensions of religion, from vision and beliefs to behavior, habits, and religious customs. Religious rituals, as a factor for communication and unity of people have a decisive role in the social-cultural-identity structure. Surah Mubarakah Hajj, as the focus of Quranic rituals, includes culturally creating religious propositions in different dimensions such as politics, economy, culture, etc., each of which has its roots in the revelations and contents of the verses. Based on this importance, the current research aims to extract the cultural teachings of the rituals, with the analytical-descriptive method and relying on the inferential approach, it has tried to analyze the functionality of the cultural teachings of this surah and to explain the functional comparison of the rituals of Hajj with the era of Jahiliya. The findings of the research indicated that in Surah Hajj, we are faced with the conceptual propositions of correcting the harms and cultural deviations of rituals, and at the head of these reforms, restoring piety as a union of worldliness and religion to ritual has been taken into consideration.

Keywords

Rituals, Hajj Surah, Cultural Religion, Religious Culture.

تلازم ظاهر و باطن در نظریه قرآنی مناسک استنطاق آموزه‌های فرهنگی سوره مبارکه حج^۱

نجمه کاظمی^۲، سیدمجید امامی^۳، پروین بهارزاده^۴

چکیده

تمایل فطری انسان‌ها به داشتن نگاه معنادار به جهان اطراف و فرار از پوچی موجب شده دین به‌عنوان عاملی برای معنابخشی به زندگی، نگرشی جدید و معنادار به زندگی را پدید آورد. این رهیافت با ارائه تفسیری نوظهور از انسان و دین و نیز ارتباط آن دو، درصدد شناخت انسان و ابعاد دین از بینش و اعتقادات تا رفتار و عادات و آداب دینی است. مناسک دینی به‌مثابه عاملی جهت ارتباط و اتحاد افراد، نقش تعیین‌کننده‌ای در ساختار هویتی - فرهنگی - اجتماعی را دارا بوده است. سوره مبارکه حج به‌عنوان کانون تمرکز مناسک قرآنی، دربرگیرنده گزاره‌های دینی فرهنگ‌ساز در ابعاد مختلف همچون: سیاست، اقتصاد، فرهنگ و... بوده که هر یک ریشه در ظهورات و بطون آیات داشته است. بر اساس این مهم پژوهش حاضر باهدف استخراج آموزه‌های فرهنگی مناسک، با روش تحلیلی - توصیفی و تکیه بر رویکرد استنطاقی، درصدد تحلیل کارکردی آموزه‌های فرهنگی این سوره و تبیین تقابل کارکردی مناسک حج با دوران جاهلیت بوده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بوده که در سوره حج، با گزاره‌های مفهومی اصلاح آسب‌ها و انحرافات فرهنگی مناسک مواجهیم که در رأس این اصلاحات بازگرداندن تقوا به‌مثابه اتحاد دنیاداری و دینداری به مناسک مورد توجه قرار گرفته شده است.

واژگان کلیدی

مناسک، سوره حج، دین فرهنگی، فرهنگ دینی.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «تبیین نظام مفهومی فرهنگ عمومی در قرآن کریم (مقایسه فرهنگ مکی و مدنی)» است که به راهنمایی نویسنده دوم و نویسنده سوم در دانشکده الزهرا (س) به انجام رسیده است.

r.kazemi502@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (س).

s.m.emamy@isu.ac.ir

۳. استادیار دانشکده معارف اسلامی فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع).

bahar-p@alzahra.ac.ir

۴. دانشیار دانشکده هیات دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول).

مقدمه

حیات انسان سرشار از گذارها و معابری نمادین از وضعیت قبلی به وضعیت جدید است، تولد، بلوغ، ازدواج، تکامل معنوی، مرگ و... همگی از طریق آیین‌هایی درک، بسط و جریان پیدا می‌کند. فهم ماهیت و ابعاد و تغییرات شعائر^۱، مراسم^۲ و مناسک مذهبی به‌مثابه فرایندهای معنا ساز حیات دینی از موضوعات دیرپای مشترک در علوم اجتماعی خصوصاً جامعه‌شناسی دین، انسان‌شناسی، معناشناسی، اسطوره‌شناسی، زیبایی‌شناسی و نشانه‌شناسی بوده است. در واقع از هر مبدأ و بستری که فرهنگ مادی و رفتار جمعی مطالعه شود، پای مناسک معنوی دوشادوش غریزه و نوع پاسخ به نیازهای طبیعی انسان به میدان نظریه‌پردازی و مطالعات تجربی جامعه و فرهنگ کشیده می‌شود و بدیهی است که هر نگاه و نظام فرهنگی، روایت خود را از مناسک معنوی و آداب و رسوم و آیین‌های فردی و جمعی دینداران یا معنویت‌جویان، دارد. در نگاهی درون دینی، عبودیت به معنای خاص همواره با شریعت و طریقت‌گره خورده که هر دو مجموعی از فعالیت‌ها و وظایف واجب یا مندوب را پیش روی دیندار می‌گذارند. این مناسک به دو دسته کلی مستمر و روزانه (دارای زمان منظم و مشخص) و غیرمستمر قابل تفکیک است. نوع دوم نیز به‌نوبه خود دو گروه کلی مشابه (فرم و ظاهر یکسان و معین و رسمی) و غیرمشابه تقسیم می‌شوند. پی‌جویی یک نظریه توصیفی و هنجاری برای مناسک و آیین‌های دینی در قرآن کریم هدف این پژوهش بوده است و بر این اساس سوره مبارکه حج به‌مثابه کانون تمرکز آیات الهی در ترسیم و تنقیح این نظریه مورد توجه قرار گرفته است. در این سوره دو فرمان و دو شکل از مناسک و آیین ترسیم شده است که یکی اولاً فردی و بدون حداقل ظهورات (روزه) و دیگری جمعی و با حداکثر ظهورات است (حج) این دو مناسک در عین حال مفهومی و مصداقی با هم مرتبط هستند. **علل چهارگانه** این مناسک در آیات مطرح شده و ماهیت و هویت آن‌ها به‌خصوص حج بیان شده است و از همه مهم‌تر مسئله و مشکل مناسک در مقایسه با تنوع، نوآوری، تغییر و محور عالم دینی یعنی امام به شیوایی صورت‌بندی گردیده است.

1. Rites

2. Ceremonies

پیشینه پژوهش

در باب پیشینه پژوهش پیش‌رو، با تأمل در هدف مطرح شده باید بیان داشت، تنها رضی‌آبادی و احدیان (۱۳۹۷) به تبیین غرض موضوعی سوره حج با تأکید بر سیاق سوره. طباطبایی و همکاران (۱۴۰۲) و نیز غیائی و همکاران (۱۴۰۰) هر دو بامحوریت موضوع اربعین به تبیین منسک اربعین و آثار آن پرداخته‌اند. سایر محققان به بررسی اعمال و چگونگی احراز شرایط حج با تأکید بر مسائل فقهی فارغ از در نظر گرفتن تلازم ظاهری و باطنی حج در دو برهه پیش از اسلام و پس از اسلام در جهت کشف نظریه مناسکی در این مهم پرداخته‌اند. لذا جنبه نوآورانه پژوهش توصیفی-تحلیلی پیش‌رو را می‌توان **استخراج نظریه مناسکی** با تأکید و محوریت مقوله حج و تأمل در بطون و ظواهر آیات به‌شمار آورد.

روش پژوهش

قرآن کریم هسته مرکزی دین، به‌عنوان کتابی فرازمانی و فرامکانی دربردارنده اصول ثابت و شاکله اصلی دین و نیز نقشه راه، در اصل روایات در نقش تطبیق و کشف مصداق تفسیر و تحویل و... را ایفا می‌کند. با توجه به متفاوت بودن لایه‌های معنایی و سیاقی سوره در ابتدا سیاق متنی سوره و در ادامه محور اصلی آن تبیین شده تا فهم قرآن دچار کج‌فهمی نشده و به خلط باطن و ظاهر منجر نگردد. لذا پژوهشگران در مرحله اول، لایه نخست قرآن (ظاهر) بررسی و در مرحله دوم بر اساس تدبر در آیات قرآن و منابع تفسیری با تأکید بر بافت متنی قرآن به مفهوم و سیاق اصلی را محور تمرکز قرار داده‌اند. تدبر روشی از فهم منسجم و هماهنگ با لفظ و سیاق است که باید از تنگنای سلاقی شخصی عبور کرده و در شاهراه قانون و ضابطه عقلایی (ادبیات و منطق و اصول) صورت بگیرد. از سوی دیگر مسئله معاصر ما با رویکردهای تفسیر موضوعی محقق می‌شود؛ زیرا اساساً در پی تطبیق آیاتی بر مفردات موجود یا تفسیر قرآن به قرآن نبودیم، بلکه تغییرات فرهنگی جوامع، مدل و ابعاد توصیفی و هنجاری آن را می‌جستیم. تفسیر موضوعی و روش استنطاقی شهید صدر، تفسیر مسئله‌محور، جامع، اجتهادی و منتج به نظریه است. المدرسه القرآنیه با هیچ‌یک از تفاسیر معتبر که تا امروز بوده‌اند و بعد از این پدید خواهند آمد، منافات ندارد. فهم مدلولات جزئی به هر روش معتبری می‌تواند باشد تفسیر موضوعی به نظر ایشان تلاش برای کشف موضوعی از موضوعات زندگی اعتقادی، اجتماعی و هستی‌شناسانه انسان است در این صورت هدف مفسر تحدید موقف نظری قرآن و استخراج تئوری قرآن در برابر نظریات دیگر است. شهید

صدر روش تفسیر خود را موضوعی و توحیدی می‌خواند و بهترین معادل را برای آن از تعبیر امیرالمؤمنین اخذ می‌کند^۱ یعنی استنطاق از کتاب (صدر، ۱۴۲۱: ۳۰) «استنطاق» به معنای ارائه پرسش‌های جدید به قرآن جهت اخذ پاسخ‌های مناسب از آن می‌باشد. در تفسیر موضوعی هدف مفسر گسترده‌تر از حد فهم آیه یا مفردات یک آیه است. در این تفسیر مفسر درصدد است که با توجه به فهم و مدلول یکایک آیات، نظریه قرآنی را درباره موضوعی از موضوعات مختلف به دست آورد یا دیدگاه قرآن را نسبت به موضوعی که خودش آن را مطرح کرده، از مجموع آیاتش کشف کند یا به دلیل آن که درباره آن موضوع، قرآن در ظاهر، عبارت‌ها و بیان‌های مختلفی ارائه داده مفسر میان آن‌ها جمع کند و نظریه‌ای منسجم از قرآن را به دست آورد. تفسیر موضوعی هم می‌تواند بحث نظری باشد هم جنبه راهگشایی برای عمل داشته باشد. هم‌چنان‌که در زمینه نظریات می‌تواند خارجی باشد یا جنبه ذهنی و ماورایی داشته باشد یا حتی مفهومی و توصیفی باشد (ایازی، ۱۳۶۸: ۱۴۸). بر اساس این مهم و توجه و تمرکز بر رویکرد استنطاقی، رویکرد مقاله توصیفی- تحلیلی با تأکید بر مطالعات اسنادی بوده که در تحلیل و متن کاوی این مهم از آراء مفسران و کتب لغت و تاریخی استفاده شده است.

۱. مناسک و آیین، نظریه و عمل

دین (به معنای خاص و تشریح آسمانی) در بسیاری از جوامع رکن بنیادی فرهنگ بوده و هنجارآفرین و ارزش‌آفرین حیات اجتماعی انسان است. دین ترکیبی از باورها و اعمال است. مراسم و مناسک در شمار اعمال دینی است که بخش گسترده‌ای از کنش‌های اجتماعی ما را شکل می‌دهد. تنوع، گستردگی، پویایی، تأثیر فرا زمان و فرامکان، از جمله ویژگی‌های مراسم و مناسک دینی در فرهنگ جامعه ماست. مناسک به مجموعه‌ای از اعمال اطلاق می‌شود که از جانب دین تعریف و توصیه می‌شود و انجامشان ارتباط انسان با امر الوهی و تکریم او نسبت بدان را جلوه‌گر می‌سازد. مردم‌شناسان و دین‌شناسان آداب و مناسک را به شیوه‌های مختلفی تعریف کرده‌اند، از جمله «مقوله‌ای جهان‌شمول از تجارب انسانی»^۲ یا «آن دسته از فعالیت‌های بدنی اختیاری و آگاهانه، مکرر و دارای قالب خاص نمادین که در برابر ساختارهای کیهانی و/ یا مقامات قدسی انجام می‌گیرد»^۳.

۱. ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ وَ لَنْ يَنْطِقَ وَ لَكِنْ أُخْبِرْكُمْ عَنْهُ أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمَ مَا يَأْتِي وَ الْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي وَ دَوَاءَ دَائِكُمْ وَ نَظْمَ مَا بَيْنَكُمْ (نهج البلاغه، خطبه ۱۸)

2. Bell, Ritual theory,

3. Zuesse , Ritual

جانانان اسمیت آداب و مناسک را وسیله‌ای برای تحقق شیوه‌ای که بر اساس آن اشیا در تقابل آگاهانه با نحوه وجودشان قرار می‌گیرند، تعریف نموده به گونه‌ای که این کمال حاصل آمده از آیین در جریان روزمره و ضبط و مهار نشده امور تجدید شود.^۱ آداب و مناسک حاوی ساختارهای رسمیت یافته و گاه حتی رفتارهای خودانگیخته است که متأثر از اشتغال به امر الوهی و احترام به آن در اشکال و جلوه‌های گوناگون آن پدید آمده است (مک اولیف، ۱۳۹۲، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، آ-ب). آداب و مناسک را می‌توان در ادبیات گسترده‌تری همچون آداب و مناسک گذار که در آن‌ها متن مقدس خوانده یا اجرا می‌شود، مانند آیین ولادت یا خاکسپاری و در واقع عملاً همه وجوه زندگی روزمره را شامل شود، تبیین کرد. آیین‌های دینی یا مذهبی اصطلاح دیگری است که در برخی از علوم اجتماعی برای فهم و تبیین رفتارهای فرمیک و معناساز معنوی به کار می‌رود. در مفهوم آیین، تجربه مشترک و هم‌تجربگی معنوی نقش جدی دارد. رویدادها و تجمع‌ها وقتی آیین هستند که بین کنشگران حاضر وحدت غایی ایجاد شود و هریک به زعم کنشگری خاص، نهایتاً از یک فضای معنوی و جو مشترک بهره‌ور گردند. رونب‌ولر در کتاب ارتباطات آیینی، از گفتگوهای روزمره تا جشن‌های رسانه‌ای شده تصریح می‌کند که آیین پژوهی هم بر رخدادهای ویژه و هم جنبه آیینی فعالیت‌های عادی اشتغال دارد (رونب‌ولر، ۱۳۸۷: ۳۴). وی مؤلفه‌های تعریف آیین که همان مناسک در پژوهش است را در برخی از مؤلفه‌ها مانند انجام اعمال و آداب مناسک در زمان و مکان معین به وسیله هر فرد^۲، داوطلبانه و غیرتفریحی بودن، داشتن گرایش جمعی در برگزاری مراسم، تکرارپذیری و داشتن نماد خاص و نیز به سبب آن اثرگذاری و ماندگاری آن در اذهان باگردش تقویمی تبیین می‌کند. مناسک دینی امری آگاهانه و اختیاری است آگاهانه و داوطلبانه بودن در دو مقام اجراکننده و حتی مشارکت‌کننده افراد جریان دارد، مناسک از جدی‌ترین امور اجتماعی است که متمایز از بازی و امور تفریحی است. مناسک دینی ریشه در اجتماع و امور جمعی داشته هرچند برخی آیین‌ها در خلوت اجرا شوند اما دائماً در آن‌ها چیزی وجود دارد که به صورت اجتماعی ساخت یافته است.

زیرا آیین و نقشه‌ای از روابط اجتماعی هستند. این نوع آیین و رفتارهای جمعی سنتی و تکراری هستند، از پیشینیان تاکنون به صورت تقویمی و باگردش زمان تداوم داشته‌اند

1. Smith, Bare facts,
2. Performance

لذا امری مرسوم‌اند، رفتار مرسوم، الزامی، اخلاقی و مرتبط با نظم اجتماعی است. الزام و جواز نیز مشکک است اما قلمروی از بایدها را تشکیل می‌دهند، همانند مراعات بایدها در مناسک مذهبی با مراسم تاج‌گذاری یا عروسی سلطنتی که به یک نحو اجرا نمی‌شود. در این راستا مناسک پژوهان دریافته‌اند که این رفتارها خارج از نظریه مرسوم اطلاعات، ایجاد بعد ارتباطی بدون ارائه اطلاعات است، به گونه‌ای که بیش از انتقال پیام و اطلاع‌رسانی با درک و پذیرش سروکار دارد. مناسک، عملی درباره امر قدسی است. رودنبولر در تفهیم این مؤلفه وارد ماهیت امر قدسی در جامعه‌شناسی دین می‌شود و نهایتاً تعریف خود را ارائه می‌کند: آیین، اجرای داوطلبانه رفتاری است که به شکلی سزاوار به منظور اثرگذاری نمادین یا مشارکت در زندگی جدی (غایت قدسی) طراحی شده است (رودنبولر، ۱۳۸۷: ۷۰-۳۸). بر اساس این رویکرد یکی از مهم‌ترین نیازهای روانی انسان‌ها، معنادار نگاه کردن به زندگی و فرار از بی‌معنایی است. مؤمنان دین را به منظور عاملی برای معنادار کردن زندگی دانسته و به آن گرایش پیدا می‌کنند. به عبارتی، رفتارها و مناسک و آداب به‌عنوان عوامل معنابخش در زندگی آن‌ها نقش ایفا می‌کند.

۲. معماری مفهومی مناسک در قرآن

مناسک، مصدر میمی از ریشه «نسک» است. معنای اصلی این ریشه، عبادت و تقرب به خدا (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵: ۴۲۰) و اعمال عبودی خاصی است که صرفاً از جانب خداوند تشریح شده است (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۱۲: ۱۰۵). نُسُك، عبادت و نَاسِک به معنای عابد و عبادت‌کننده است که به اعمال حج اختصاص دارد مَنَاسِک همان اعمال حج، نَسِیْکَه قربانی و ذبیحه است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۳۲۵) مشتقات واژه نسک شش مرتبه در قرآن کریم به کار رفته که از آن میان، دو بار به صورت «مناسک» (البقره/۲۰ و ۱۲۸)، دو بار به صورت «نسک» (البقره/۱۹۶) و (الانعام/۱۶۲) و دو بار به صورت «منسک» (الحج/۶۴ و ۶۷) می‌باشد. مناسک، به معنای عبادت و تقرب به خدا و اعمال عبودی خاصی است که تنها از جانب خداوند تشریح شده است. «مناسک» در این مهم بر اعمال عبودی مشخص و معین از جانب خداوند اطلاق می‌شود، لکن در برخی آیات مصداق خاصی از عبادات همچون قربانی، اعمال حج و ... مدنظر است.

در قرآن کریم در سه سوره مبارکه بقره و حج و انعام به تبیین مفهوم آن پرداخته شده است^۱. تفاسیر در تبیین مقوله حج بر مبنای معنای اصطلاحی (منسک) را در معنای اسم زمان و مکان به معنای جا و مکان عبادت یا مطلق عبادت اتخاذ داشته‌اند با این تعریف که عبادتی که مشتمل بر قربانی و ذبح است تاگامی برای تقرب به خداوند شود؛ به این معنا که در امت‌های گذشته مؤمنان عبادتی با پیشکش قربانی برای آنان قرار داده شده بود؛ بنابراین، قربانی کردن یکی از مصداق و نمونه‌های مهم و بارز اعمال و عبادات حج به شمار می‌رود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۵۲۹؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۱۳: ۱۳۳). از نظر محتوا مطالب این سوره را به چند بخش می‌توان تقسیم کرد:

۱. تأسیس اصل تقوا در انجام مناسک؛
۲. تذکار معاد و توجه به سرنوشت عبرت‌انگیز گذشتگان؛
۳. تبیین مسئله مناسک حج و سابقه تاریخی آن در سنت انبیائی و سپس شکل و عناصر آن مانند قربانی و طواف و ...؛
۴. تبیین منسک نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد و توکل و توجه به خداوند؛
۵. استنتاج پیروی و اعمال مناسک.

جدول ۱. سیاق محتوایی سوره حج

ردیف	نقاط تمرکز آیات	آیات
۱	تأسیس اصل تقوا در مناسک	۱-۲
۲	تذکار معاد و توجه به سرنوشت عبرت‌انگیز گذشتگان	۳-۲۴
۳	تبیین مناسک حج و سابقه تاریخی آن در سنت انبیائی و سپس شکل و عناصر آن چون قربانی و طواف و ...	۲۵-۳۷
۴	تبیین منسک نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد و توکل و توجه به خداوند	۳۸-۴۱
۵	استنتاج پیروی و اعمال مناسک	۴۲-۷۴

۱. رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَ آرِنَا مَنَاسِكَنَا وَ تَبَّ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ (بقره/۱۲۸) فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَادْخُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أُشْدَّ ذِكْرًا فَمَنْ النَّاسُ مِنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ (بقره/۲۰۰) وَ اتَّبِعُوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُخْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَ لَا تَحْلِقُوا رُؤُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامًا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةَ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (حج/۱۹۶) قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (انعام/۱۶۲) وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِنَّهُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَ بَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ (حج/۳۴) لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُبَاذِرُكَ فِي الْأَمْرِ وَ ادْخُلْ إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَى هُدًى مُسْتَقِيمٍ (حج/۶۷)

سوره مبارکه حج، بیست دومین سوره از سور قرآن کریم، از سوره‌های مثانی با هفتاد و هشت آیه بوده که به سبب تبیین و تشریح احکام و نیز اعلان عمومی حج، به این عنوان، نام گرفته است. در میان مفسران در مکی یا مدنی بودن این سوره اختلاف است. برخی کل سوره را مدنی دانسته و آیات ۱۹ تا ۲۴ یا ۵۲ تا ۵۵ آن را مکی شمرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۹، ج: ۷، ۲۸۷، ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج: ۱۱، ۱۷)، برخی دیگر، نیز تمام سوره را، به جز آیات ۱۹ تا ۲۴ آن، مکی دانسته‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج: ۳، ۱۴۱، فخر رازی، ۱۴۲۰، ج: ۲۳، ۳، ثعالبی، ۱۴۱۸، ج: ۲، ۳۹۲). احتمال می‌رود دلیل اصلی این تفاوت آراء، تفاوت در ملاک‌های تعیین مکی و مدنی بودن سوره‌ها و وجود موضوعات متنوع در میان مفسران در این سوره است (سیوطی، ۱۳۶۳، ج: ۱، ۳۸ - ۳۷). همچنان که در سوره‌های نازل شده قبل از هجرت مشرکین مورد خطابند، مخاطب سوره حج نیز مشرکین است زیرا اصول دین و انذار و تخویف را به ایشان خاطر نشان می‌سازد. رویکرد سیاق محور بیانگر آن است که مشرکین دارای جایگاه قابل توجهی در بطن جامعه بوده‌اند و نیز مؤمنان را به مناسک دینی از جمله نماز، حج، عمل خیر، اذن در قتال و جهاد مخاطب قرار داده است، چون اجتماع مؤمنان تازه تشکیل شده و مختصر شوکتی به دست آورده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج: ۱۴، ۴۷۷). لذا این سوره در مدینه نازل و غرض سوره بیان اصول دین نه فروع است، به این صورت که مشرک و موحد به صورت تفصیلی فهم نمایند. ولی نسبت به تبیین فروع دین به طور اجمال بوده و تنها مؤمنین از آن استفاده می‌کنند، چون تفصیل احکام در زمان نزول این سوره، هنوز تشریح نشده بود و به همین دلیل در این سوره کلیات فروع دین از قبیل مناسک دینی همچون نماز و حج و زکات تبیین و تشریح شده است.

۳. عناصر هویتی مناسک در سوره حج

اصلی‌ترین دلیل ماندگاری قرآن را، با وجود تطور دوره‌های حیات بشری، در مسأله بطون قرآن باید واکاوی و تحلیل نمود. آیات قرآن به وجود بطن در نظام هستی یا بخشی از آن دلالت دارد (الأنعام/ ۱۲۰ و ۱۵۱؛ الأعراف/ ۳۳؛ لقمان/ ۲۰؛ الحديد/ ۳ و ۱۳). هر چند آشکارا به باطن قرآن تصریحی صورت نگرفته است، اما مفسران با تمسک به آیاتی که به تدبیر و تأمل در قرآن یا آیاتی که در آن به فراگیر بودن تمامی امور در قرآن تصریح شده، بر وجود باطن برای قرآن تلازم آورده‌اند (ذهبی، بی‌تا ج ۲: ۳۵۳ و ۳۵۴ و آلوسی، ۱۴۱۵، ج: ۱، ۸). از آن رو که اثرگذاری شعائر و مناسک به عنوان واقعیت‌های زنده فرهنگی - اجتماعی محدود و متوقف بر زمان و مکان خاصی نیست؛

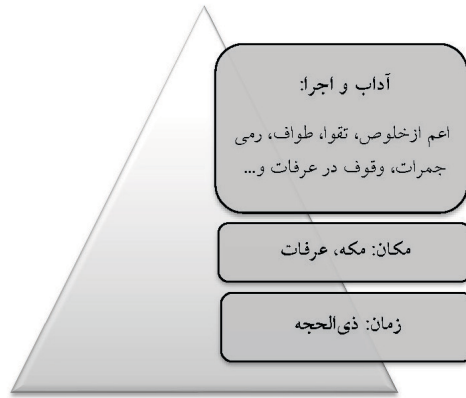
تلازم ظاهر و باطن در نظریه قرآنی مناسک استنطاق آموزه‌های فرهنگی سوره مبارکه حج

به عبارت دیگر، آثار فردی و اجتماعی که مراسم و مناسک در قالب پاداش و تنبیه برای انسان‌ها فراهم می‌سازند مربوط به همه ادوار است. به‌طور کلی تأثیرات و کارکردهای مراسم و مناسک را می‌توان در دو رتبه فرد و اجتماع ملاحظه نمود:

الف) مرتبه رفتار فردی: در این رتبه اثراتی که مناسک و مراسم دینی برای افراد در همه ادوار ایجاد می‌کند، مانند اثرگذاری که نماز بر هر کنشگری (نمازخوان) در جلوگیری و پیشگیری از جرم دارد. «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت/۴۵) یا اثر روزه در اکتساب تقوای الهی. همچنین تأکیدات آیات دیگر که به تأثیرات فردی اجرای مراسم و مناسک اشاره دارد (حج/۳۲). به‌طور کلی برخی از تأثیرات و کارکردهای مراسم و مناسک در سطح فردی عبارتند از: دوری از کج‌روی اجتماعی، الگوپذیری، کسب آرامش درونی، افزایش مسئولیت فردی، نظم‌پذیری (کارکرد سازمان‌پذیری)، آمادگی برای فداکاری، درونی شدن هنجارها و ارزش‌های دینی و... کارکردهای فوق برای هر کنشگری در هر زمانی حاصل خواهد آمد. این آثار فردی محدود به انسان‌های خاصی در زمان خاصی نخواهد بود (جمشیدی و قبادی، ۱۳۸۶: ۴۸).

ب) مرتبه رفتار اجتماعی: آثار ماندگار و مستمر فرازمانی و فرامکانی به مجموعه آثاری اطلاق شده که منتج از انجام ارتباطات جمعی در سطح اجتماعی است. این ارتباطات به صورت فعال و زنده برای همه افراد در همه زمان و مکان اثرگذار بوده است که برگرفته از آثار و نتایج جمعی و همگانی مناسک است. همبستگی و وفاق اجتماعی، بازیابی هویت جمعی افراد، ایجاد روابط و پیوندهای فرهنگی - سیاسی و بازیابی چرخه اقتصادی و مالی کشورها و... از جمله نتایج مهم این امر است (جمشیدی و قبادی، ۱۳۸۶: ۴۸).

این شاخصه سبب می‌شود که در دین اسلام اصول ثابتی وجود داشته باشد که به مقتضای فطرت انسانی برای همه انسان‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها اثرگذار باشد. بر اساس این مهم مناسک حج دارای سه‌گان هویتی اجرا، زمان و مکان در جهت وصول به‌غایت تقوا و اخلاص است.



شکل ۱. عناصر هویتی مناسک

حج، همانند سایر مناسک دینی، آداب، سنن و فرایضی خاص و زمان و مکانی دارد که برای تحصیل صفات ثبوتی و اجتناب از آراستن به اوصاف سلبی است. انسان در مقام خلیفه‌اللهی و اظهار در صفات جمال و جلال، دارای صفات ثبوتی و سلبی است. از این رو موظف است که به تهذیب و تزکیه پردازد؛ بدین صورت که ابتدا خود را از رذایل اخلاقی پاک و سپس به فضایل اخلاقی بپیوندد و مظهر اوصاف الهی گردد؛ بنابراین، حج بهترین فرصت برای تأمین این هدف است؛ زیرا باطن و هدف این منسک برای تهذیب نفس است (جوادی آملی، ۱۳۸۸). بطون محرّمات حج برای شرک زدایی از انسانی است که گرفتار عصیان و تباهی می‌شود. آیه شریفه «فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ» (۴۱) به سه مورد از محرّمات حج که هر یک در تطهیر یکی از قوای نفسانی (قوه شهویه، قوه غضب و تهذیب قوای فکری) نقش دارد، اشاره می‌کند؛ بنابراین با طهارت این قوای سه‌گانه امور انسانی پاک می‌شود؛ زیرا صدور هر کاری از انسان با تحلیل به یکی از سه قوه مذکور برمی‌گردد. لذا سه‌گان هویتی حج که هر ساله به صورت همسان و یکسان برگزار شده تا هویت فرهنگی-دینی درک و وجوه امتیاز آن را در مقایسه با سایر فرهنگ‌ها تبیین شود. خداوند در این سوره و سایر سوره نظام دینی-توحیدی جاهلیت را به اوصافی مانند کفر، شرک، گمان باطل و افترا بر خدا، تکذیب رسولان الهی و انکار معاد، ترسیم نموده است. در ادامه به بررسی این مهم خواهیم پرداخت.

۴. تقابل ظاهری حج جاهلی و حج عبادی

عصر جاهلیت در ابعاد و جنبه‌های مختلفی قابل بررسی است. از جمله محورهایی منعکس شده در قرآن، چگونگی انجام مراسم دینی و مناسک مردم جاهلیت، به ویژه

ساکنان جزیره العرب است. هر چند اصل این عبادات ریشه در تعالیم ادیان پیشین داشت، اما این افراد در بعد عملی آن دچار انحرافات و تغییراتی شده بودند که گاه گونه ظاهری و سطحی را برای مناسک پدید آورده بود. این نوع برخورد با مناسک در بعد بینش و عمل تنها ناظر به ادوار پیش از ظهور اسلام نیست، بلکه دربرگیرنده جوامع و مللی است که در برخی ویژگی‌ها و شاخصه‌ها اشتراک دارند. حج به مثابه یکی از مهم‌ترین مناسک عبادی مسلمانان، تشریح آن در دوره ابراهیم (ع) بوده است لذا امری است که در جاهلیت مرسوم بوده است.

تحریف و انحرافات جاهلیت در زوایای مختلف مناسک حج رخنه کرده بود. این گونه کج روی و انحرافات از آیات و روایات قابل تبیین و تحلیل است. با توجه به مناسک حج، تصویر کوتاهی از حج جاهلی را ترسیم خواهیم نمود. تلبیه به معنای پاسخ مثبت به ندای خداوند و تجدید عهد بندگی با او را، جاهلیت به عبارتی شرک‌آلود متصل نموده و به گونه دیگر رواج دادند. این درحالی است که تلبیه (ل ب ب) به مثابه شعار توحید و اخلاص در طاعت الهی است. در قرآن به تلبیه تحریف شده جاهلی به صورت مستقیم اشاره نشده، اما در روایات مربوطه بدان پرداخت شده است، در سوره روم آمده است: «ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِّنْ أَنفُسِكُمْ هَلْ لَكُمْ مِّنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنفُسَكُمْ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»^۱. مجمع البیان مشرکان عرب را یکی از مصادیق این آیه به‌شمار آورده است زیرا هنگام ستایش الهی می‌گفتند: اللّٰه، اما نسبت به او شرک می‌ورزیدند و در تلبیه بیان می‌کردند: «لبیک لاشریک لک الاشریک هو لک، تملکه و ما ملک» (طبرسی، ۱۳۶۹، ج ۵: ۴۶۲).

کلینی تلبیه جاهلیت را که بیان‌گر سبب نزول آیه ۳۷ سوره حج است، این‌گونه بیان نموده: «قریش بت‌هایی را که دور کعبه بود با مشک و عنبر، خوشبو می‌کردند و یغوث در مقابل در کعبه، یعوق در سمت راست آن و نسر در سمت چپ آن قرار داشت؛ و هنگامی که وارد می‌شدند در برابر یغوث به سجده می‌افتادند و خم نمی‌شدند». سپس چنین تلبیه می‌گفتند: «لبیک اللهم لبیک لبیک لاشریک لک الاشریک هو لک تملکه، ما ملک.» پس خداوند مگسی سبزرنگ با چهار بال فرستاد و تمامی آن مشک

۱. خدا از [وضع و حال] خودتان برای شما مثلی زده است، آیا از بردگانتان در آنچه [از نعمت‌ها و ثروت‌ها] به شما روزی داده‌ایم، شریکانی دارید که شما در آن [نعمت‌ها و ثروت‌ها] با هم برابر و یکسان باشید و همان‌گونه که از یکدیگر می‌ترسید [که یکی از شما نعمت و ثروت مشترک را ویژه خود کند] از بردگانتان هم بترسید؟ [بی‌تردید در میان آزاد و برده و مولا و عبد و مالک و مملوک چنین شرکتی وجود ندارد، پس چگونه ممکن است مملوک خدا در خدایی، ربوبیت، خالقیت و مالکیت شریک او باشد؟!]. این‌گونه آیات خود را برای مردمی که تعقل می‌کنند، بیان می‌کنیم (سوره روم / آیه ۲۸).

و عنبر را خورد و خداوند این آیه را نازل فرمود: «یا ایها الناس ضرب مثل فاستمعوا له ان الذین تدعون من دون الله لن یخلقوا ذبابا و لو اجتمعوا له و ان یسلبهم الذباب شیئا لا یتستقذوه منه ضعف الطالب و المطلوب» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۵۴۵). سعی بین صفا و مروه، از گونه‌های شرک آمیز و نادرست دیگر در اعمال حج و عمره است. بر اساس شواهد تاریخی، زن و مردی از اهالی یمن به نام‌های «اساف بن عمرو» و «ناثله بنت سهل» (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱: ۵۴) هنگام طواف کعبه، در درون کعبه به رفتاری نامشروع پرداختند و به این سبب که گرفتار هوای نفس شده و هنجارهای حج و خانه خدا را مراعات نکردند، در نهایت تبدیل به دو قطعه سنگ شدند (نسائی، ۱۳۴۸، ج ۵: ۵۵). پس از این روایت، افراد با دیدن مسخ شدن این دو نفر، یکی را کنار حجر الاسود و دیگری را نزد رکن یمانی قرار دادند. براساس سایر روایات، سبب آغازین برای این جریان، جنبه عبرت‌آموزی آن بود تا مردم با دیدن این دو انسان مسخ شده از رفتار غیراخلاقی و عاقبت آنان درس گیرند (مسلم، ۱۴۰۷، ج ۹: ۲۲).

قربانی کردن به عنوان بخشی از اعمال حج در جاهلیت مورد توجه بود اما همچون تحریف‌های دیگر، اعراب جاهلی معتقد به عدم جواز استفاده از گوشت حیوان قربانی شده در راه خدا بودند لذا گوشت‌های قربانی با قرار دادن بر روی سنگ در دسترس حیوانات قرار می‌دادند. بر اساس کتب فقهی، با ظهور اسلام به منظور رد تحریفات گذشته از آداب مناسک حج، امر به خوردن از گوشت قربانی و نیز اطعام نیازمندان و فقر زدایی از آن شد (جصاص، ۱۴۱۵، ج ۳: ۳۰۸). جاهلیت، دوره‌ای که جوامع بشری بر اثر دور ماندن از عصر انبیا و نفوذ عقاید و عادت‌های ناصحیح، وجه و گونه ظاهری به مناسک دینی می‌دادند تا از عمق باطنی و لایه‌های معنایی آن دور بماند این موارد نمونه‌هایی از عملکرد جاهلیت در برخورد عملیاتی با مناسک حج است. عصر جاهلیت بر اثر نادانی و جهل یا توجهات فردی اصل و مبنای مناسک را تغییر و گاه وجه نامعقولی بر اساس توجه به ظاهر آن داده بودند. با ظهور اسلام، پیامبر (ص) در صدد از بین بردن جلوه‌های ناصحیح حج بر اساس تصحیح و تبیین عبادات و از بین بردن تحریف از اساس آن برآمدند. در واقع امر تلاش‌های پیامبر اسلام (ص) با ترسیم برنامه‌های اخلاقی و آموزش روابط نظام‌مند اجتماعی و فرهنگ‌سازی قرآنی نیز در فراهم کردن زمینه تغییرات اجتماعی و فرهنگی بسیار مهم و تعیین کننده است.

بر اساس ماهیت سور مدنی، قرآن کریم در این مهم، تبیین کننده ارزش‌های جدید و خالق هنجارهای اجتماعی در تقویت ارتباطات اجتماعی و فرهنگی است. به عبارت

روشن‌تر، سوره مدنی نقش مهمی در تبیین نظام‌های مدنی دارا بوده لذا رویکرد جدی سوره مدنی در شرایطی است که پیامبر درصدد جامعه سازی و فرهنگ‌سازی در سطوح فردی و اجتماعی و زدودن افکار ظاهری و شرک آلود است. پیامبر (ص) با ایجاد کردن دگرگونی فرهنگی و جایگزین نمودن برنامه‌های اصلاحی و تربیتی که ضمن نوسازی فرهنگ‌سازی معروف جامعه مدینه، از فرهنگ جاهلی با ویژگی و شاخصه‌هایی که ناظر بدان بود، گذار نموده و به سمت فرهنگ معروف و مقبول قرآن محور سوق داده است تا بدین وسیله به تحکیم انگاره‌های فرهنگی میان مسلمانان بینجامد. پیامبر (ص) در سفر حج به صورت عملی، حج توحیدی را ارائه نهاد، بر اساس گزارش تاریخی ابن عباس، مشرکان زمان تلبیه می‌گفتند: «لیک لا شریک لک» پیامبر می‌فرمود: «وای بر شما تا همین جا کافی است» ولی آنان ادامه می‌دادند (طبرانی، بی‌تا، ج ۱۲: ۱۵۳). لذا رخداد حاضر مربوط به قبل از هجرت است، زیرا پس از هجرت، حضور پیامبر (ص) در ایام حج یا عمره، مربوط به عمره القضاء، فتح مکه و حجة الوداع است. در عمره مشرکان مکه را خالی کردند و در دو نوبت بعد نیز پیامبر (ص) از موضع قدرت وارد مکه شدند، لذا مشرکان در موقعیتی نبودند که بتوانند آشکارا با امر پیامبر (ص) مخالفت کنند (جباری، ۱۳۸۴: ۸۸). در نگاه تطبیقی و تلازم ظاهر انحرافی حج از نظر جاهلان به عبادات جاهلی و عبادات اسلامی می‌توان معقول و منطقی بودن رفتارهای عبادی اسلام را دریافت نمود. مردم جاهلی بر اساس برخی عوامل، از جانب خود رفتارهای دینی را ساخته و پرداخته بودند یا رفتارها و مناسک دینی را از باطن اصیل و معنادار خود دور کرده و به ظواهر آن پای بند بودند. با ظهور اسلام و تبیین منسک حج و نیز سایر عبادات به تدریج روح معنا و مضامین صحیح و اصیل اسلامی تبیین و تقویت شده و در نهایت به مرتبه ای می‌رسد که جایگزین مضامین شرک‌آلود جاهلی می‌گردد

لذا تقویت روح مضمون و مفهوم عبادات تنها از طریق رجوع به فطرت اصیل خداجوی انسان و اثرگذاری مقوله توحید در دویاب فردی و اجتماعی در بطن فرهنگ جاهلی است تا سرانجام قطار بی سرانجام و فاقد مقصد جاهلیت را به سمت توحید و تقوا سوق داده و به غایت اصلی خود برساند. در راستای وصول به این مهم قرآن کریم هریک از پدیده‌ها و مناسک ناصحیح را تبیین و به ترویج صحیح آن اقدام و ارتباط هریک از مناسک را با دیگری شفاف و واضح نموده است تا بدین سبب سایر مفاهیم اعم از معاد و نبوت و... در پرتو تفهیم صحیح این امر احیا و ترسیم گردد.

۵. کارکرد فرهنگی - ارتباطی آموزه‌های حج در انتظام جوامع

طرح توأمان حج و صیام، هم در سوره مورد بررسی و هم در سیاق مهمی از سوره بقره، بی شک حاوی یک الفت و ارتباط نظری می‌باشد. مؤمن مسلمان در روزه، متذکر حال دردمندان و گرسنگان و پابرهنگان جامعه می‌گردد، از سوی دیگر تمرین اخلاص در نهایت می‌کند تا نُسک و صلوه او جز برای خدا نباشد. بر همین اساس هرچند در حج، شاهد انبوهی از آیین‌ها و رفتارها و نماد پردازی‌های ظاهری هستیم، لکن حاجی از باطن حج که امام است غافل نمی‌گردد (تمام الحج لقاء الامام) (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲: ۲۶۲)، فقرزدایی و بازگرداندن عدالت در زمین و برائت از ظالمین و غاصبین را وظیفه خویش آن هم در شرایط ظاهراً نامرتبب انجام مناسک می‌داند. سختی‌ها و قیام‌ها و قعودهای حج را وقتی می‌توان معنا ساز دانست که مؤمن درد و آلام برادر مؤمنش را وجدان کرده باشد بر همین اساس علیرغم ممنوعیت روزه مسافر، طبق روایات در حالاتی می‌توان در مکه یا مدینه روزه مستحبی گرفت. کفاره عدم انجام برخی اعمال یا نقص در آن‌ها، منسک روزه است و مهم‌تر از همه، نظریه مناسک در قرآن تبیین گردیده است: تلائم و تلازم ظاهر و باطن در کنش معنوی انسان.

بهای حقیقی و باطنی هر امری، در نقش سازنده آن، از راه شناخت اسرار باطنی و به کارگیری اسرار نهفته آن است. مناسک عبادی همچون نماز، روزه، حج و ... که تنها در قالب ظاهری آن مورد تأکید بوده و به درون و بطن آن توجه نشده نمی‌تواند در حد توجه باطنی کارساز و مشکل‌گشا باشد. به عنوان مثال اثرگذاری روزه در همدلی و هماهنگی با نیازمندان و تذکار به گرسنگی و تشنگی پس از مرگ و نیز توجه به منافع مادی و منافع معنوی آن در جهت تذکیه روح و جسم است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۴۴). باطن حج در تعبد بیش از سایر دستورات دینی است؛ بنابراین، مراسم و مناسک حج با خلوص محض و عبودیت تام و جامع متناسب‌تر است. اعمال و مناسک حج کارکرد فرهنگی وحدت‌بخشی و انسجام‌آفرینی دارد. از این رو حج انسان‌ساز و فرهنگ‌ساز بوده که از ظهور تا بطون آن به عنوان یک منسک دینی ویژه، در فرهنگ و انتظام جوامع را دارا بوده است بر همین اساس ضرورت مراسم حج به‌میزانی است که افراد پیاده یا سواره باید از راه‌های دور و نزدیک به خانه کعبه رفته و خداوند به ابراهیم دستور می‌دهد که مردم را به برگزاری مراسم حج دعوت نماید: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ (۲۷)»^۱.

۱. و در میان مردم به (اداء مناسک) حج اعلام کن تا خلق پیاده و سواره بر شتران لاغر اندام تیزرو از هر راه دور به سوی تو جمع آیند (سوره حج/آیه ۲۷).

۱-۵. کارکرد فرهنگ‌ساز اول: اتحاد روح و جسم

حج با در نظر گرفتن اثربخشی مادی و معنوی آن، مادامی که اقوام و گروه‌های مختلف از سرزمین‌های مختلف با احتساب تفاوت در رنگ و نژاد به یک مقصد به حرکت در می‌آیند به صورت ناخودآگاه مقوله شناخت فردی و جمعی در میان آن‌ها شکل گرفته و سفر تنها جنبه مادی و گذری، معنا و مفهوم پیدا نخواهد کرد بلکه به جهت مقصد و هدف معنوی مفهوم دیگری می‌باید. در حج همه با ابدان مادی به‌مثابه یک روح با محوریت کلمه حق به سمت کعبه جاری می‌گردند و از وحدت جسمانی به وحدت روحانی وصول می‌یابند افزون بر حفظ وحدت کلمه، کمک‌رسانی و تعاون افراد نوعاً در برخورد با مشکلات در سفر شایان توجه بوده و آنان را به ره‌آورد یک پویش بین‌المللی قرین و متحد می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۵۲۲). این منافع دنیوی در حین سفر ادامه می‌یابد تا به سطح یکپارچگی موقعیت سیاسی، تصور فکری، دستیابی به یکپارچگی اقتصادی و تقابل یکپارچه نیروهای استبداد و دیگران برسد (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۶: ۵۵). منافع اخروی حاکی از وجود انواع تقرب‌ها به سوی خدا است. تقرب‌هایی که عبودیت آدمی را مجسم سازد و اثر آن در عمل و گفتار آدمی هویدا گردد. عبودیت میان انسان با خدای متعال و پذیرش و انجام تکالیف الهی ظهور پیدا می‌کند. عبودیت الهی و بندگی او از جمله مصادیق احسان و خیر در جامعه و فرهنگ دینی است که به شرایطی چون اصلاح نفس مقید شده تا به منبع احسان حقیقی فرد متصل و منفعت اخروی آن حاصل گردد. بر این اساس منفعت حج و مناسک را می‌توان عبودیت عملی با ابزار اصلاح نفس عنوان نمود.

۲-۵. کارکرد فرهنگ‌ساز دوم: هویت فرهنگی - سیاسی

نیاز امروز فرهنگ‌سازان، احیای قوانین اسلامی و پیاده‌سازی آن در جامعه است، زیرا اسلام، روش علمی برای زندگی فردی و اجتماعی و مادی و معنوی انسان ارائه می‌دهد که می‌توان با سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی دقیق علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، این روش‌ها را پیاده نمود. از طرف دیگر، پیاده‌سازی اسلام و حل مشکلات جامعه، نیازمند شناخت مبانی و شیوه‌های مطرح شده از سوی خداوند است. قرآن کریم به عنوان بهترین مرجع در این زمینه حج را ضمن این که عملی عبادی، سیاسی است، عملی اجتماعی - هویتی معرفی نموده به گونه‌ای که سراسر جهان و اقوام را با هر نوع ملیت و سیاستی فارغ از مباحث نظامی - سیاسی خود متوجه می‌سازد.

مسلمانان، با ملیت‌ها و رنگ‌ها و زبان‌های مختلف از سراسر دنیا در یک جا

جمع شده و یک شعار و یک هدف را پی جویی می‌کنند. لذا می‌توان حج را «پویش بین‌المللی اسلامی» به‌شمار آورد. حج، با توجه به گستردگی ابعاد و ویژگی خاص خود، از اسرار باطنی فراوانی برخوردار است به‌طوری که گستردگی و باطن هیچ یک از مناسک دیگر، به آن نرسیده است. حج همان‌گونه که توحید، نبوت، امامت و معاد را دارد، نماز، روزه، جهاد؛ خلوت و جلوت، ذکر و تفکر، سکوت و فریاد، عزلت و اجتماع و در یک بیان ظاهر و باطن همه را در خود جای داده است تا انسان با تمام ابعاد وجودی خود به‌سوی آن سرازیر شود.

۳-۵. کارکرد فرهنگ‌ساز سوم: تعدیل اقتصادی

بر اساس آموزه‌های فرهنگی سوره حج، شرکت در مراسم حج و رسیدن به اهداف آن، میبایست توأم با اطعام نیازمندان باشد و حج‌گزاران، از قربانی‌ها هم خود و هم فقیران را اطعام دهند. ذبح ذبیحه به نام خدا و برای جلب رضای او که سمبلی برای آمادگی انسان برای فداکاری و قربانی شدن در راه او است، سپس استفاده کردن از گوشت آن برای اطعام فقراء و مانند آن امری برای فقرزدایی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۱۰۲). در تکبیرهای روز عید قربان مسلمانان می‌گویند: الحمد لله علی ما هدانا و نیز الحمد لله علی ما رزقنا من بهیمه الانعام (مجلسی، ۱۴۲۲: ۳۲۳). تسخیر حیوانات و قربانی آن، ابزاری برای هدایت انسان به سوی اطاعت و تقرب الهی است. رام بودن حیوانات، خوردن گوشت قربانی و اطعام به دیگران، ذبح و نحر چهارپایان در مراسم حج و اخلاص داشتن، از قرائین شکرگزاری فرد موحد است. یکی از رسوم عرب جاهلی این بود که در موقع قربانی در برابر کعبه می‌ایستادند و خون‌ها را، به اطراف کعبه می‌پاشیدند با این فرض که خداوند از این خون‌ها استفاده می‌برد (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۶: ۲۱۶)؛ اما قرآن اعلام داشت که خداوند به گوشت و خون محتاج نیست و چیزی از این‌ها به خدا نمی‌رسد و تنها تقوی که عبارت از آن حالت اخلاص و توجه است، به خدا می‌رسد (حج/۷۲) همچنین هدف از قربانی کردن علاوه بر جنبه‌های معنوی و روحانی و تقرب به درگاه خداوند این است که گوشت آن به مصرف‌های لازم برسد هم قربانی‌کننده از آن استفاده کند و هم قسمتی را به فقیران نیازمند برساند.

از سوی دیگر تحریم اسراف در اسلام، چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد چرا که قرآن و روایات اسلامی و دلیل عقل آن را اثبات کرده است. این موارد تنها عاملی برای زدودن کفر و کاشت نهال تقواست؛ بنابراین فلسفه عبادات، یاد خداست و کعبه مرجع جامع عبادت است. این آیه بستری از فرهنگ برای ذبح ایجاد می‌کند، فرهنگ

تغذیه که تعامل نمادین میان انسان و جمادات و حیوانات است. اینکه در یک پدیده مثل قربانی می‌توان رابطه عبادی و توحیدی میان خود و خدا را برقرار کرد و البته رابطه اجتماعی ایجاد شود از ثمرات حج است لذا قربانی هم جزو شعایر الله و از ارکان عبادت حج است و از ابعاد احسان در جامعه می‌تواند به‌شمار آید که در کنار بارزترین رفتار عبادی حج نشانگر آن بوده که مثلث ارتباط با خدا، جامعه و آخرت، با یکدیگر رابطه تنگاتنگی داشته است و هریک ریشه در بطن دیگری داشته است.

۴-۵. کارکرد فرهنگ‌ساز چهارم: تزکیه قلوب و اجتناب از رجز

از جمله شرایط پذیرش حج در پیشگاه الهی، اصلاح و پالایش قلوب، تقوا داشتن و اجتناب از شرک است که می‌بایست از تقرب به بت‌ها و سخن بیهوده و عبث دوری کرد و کعبه را از آلودگی‌های باطنی و معنوی همچون: کفر و شرک منزه داشت. مسئله اخلاص و قصد قربت به عنوان محرک اصلی در حج و عبادات به طور کلی یادآور می‌شود، زیرا روح عبادت همان اخلاص است و اخلاص در صورتی است که هیچ‌گونه انگیزه غیر خدایی و شرک در آن نباشد. از مناسک حج به قربانی کردن و احکام آن پرداخته شده است که هنگام ذبح بهائم باید نام خدا ذکر شود پیروان ابراهیم اولین امتی نیستند که قربانی برایشان مقرر شده بلکه برای قبل از آن‌ها هم مقرر شده بود و استفاده از گوشت قربانی برای خود زائران جایز است بر خلاف عادت‌های زمان جاهلیت که آن را جایز نمی‌دانستند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۵۲۹).

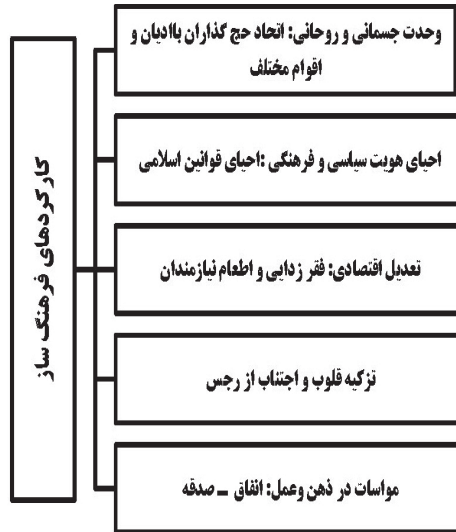
حج دربرگیرنده انواع عبادات است چراکه به سبب وجود انواع اجتنابات و خودداری‌های فردی در حوزه جسم و روح با ترک برخی از لذایذ زندگی و امور مادی و نیز، تحمل مشقت‌ها در برابر انجام فرایض حج اعم از طواف کعبه و نماز و قربانی و انفاق و روزه و ... افراد به یک مرتبه خلوص در انجام عبادات خواهند رسید. برخی شروط ناظر به حج در سوره بقره حاکی از آن بوده حج و عمره را تنها برای خدا انجام شود و اگر فرد محصور شد و مانعی مانند ترس از دشمن یا بیماری، اجازه نداد که پس از احرام بستن، وارد مکه شوید، آنچه از قربانی فراهم شود ذبح کنید و از احرام خارج شوید و سرهای خود را نتراشید تا قربانی به محلش برسد (و در قربانگاه ذبح شود) باید فدیة و کفّاره‌ای از قبیل روزه یا صدقه یا گوسفندی بدهد و هنگامی که (از بیماری و دشمن) در امان بودید، هر کس با ختم عمره، حج را آغاز کند، آنچه از قربانی برای او میسر است و هر که نیافت، سه روز در ایام حج و هفت روز هنگامی که باز می‌گردید، روزه بدارد! این، ده روز کامل است. (البته) این برای کسی است که

خانواده او، نزد مسجدالحرام نباشد [اهل مکه و اطراف آن نباشد]؛ و از خدا بپرهیزید! و بدانید که او، سخت کیفر است! (البقره/۱۹۶).

۵-۵. کارکرد فرهنگ‌ساز پنجم: مواسات در ذهن و عمل: روزه و صدقه

مناسک فردی روزه و روزه‌داری به عنوان یک عاملی برای جبران نقص انجام شده در حج به شمار آمده است. بیماری در مواردی سبب تخفیف در احکام است، نه تعطیل آن. لذا در حج، افراد معذور باید با روزه یا صدقه یا قربانی، وظایف خود را جبران کنند. برخلاف موارد عادی که در سفر روزه جایز نیست، در این سفر در صورت عدم ذبح قربانی، روزه واجب است و آن هم باید در سه روز هفتم، هشتم و نهم ماه باشد، چرا که روز دهم عید قربان است که روزهی آن حرام می‌باشد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۰۷). در نهایت به سایر اعمال مانند زدودن پلیدی‌ها، وفای به نذر و طواف بر کعبه اشاره شده است. انفاق و صدقه و پرورش روحیه مهرورزی و مهرگستری و حمایت از قشر ضعیف و کم درآمد، بی‌خانمان، بی‌سرپرست و یا بد سرپرست جامعه از اولویت‌های فرهنگی جامعه اسلامی است. قرآن کریم آداب و شعائر دینی را جزء خصوصیات همه ادیان و یکی از قدیمی‌ترین سنت‌های فرهنگی در هر جامعه می‌داند.

از این رو، برای جبران هریک شرایطی را لحاظ نموده تا ضمن اجرای حکم شرعی، حکم جمعی و فرهنگی اجرا و تا حد امکان مواسات در جامعه فراهم شود بر همین اساس روزه، صدقه و نیز زکات را از جمله عوامل جبران نقص و عدم توانایی افراد در راستای انجام منسک حج نام برده تا بدین سبب در ضمن انجام حج، شرایط و اهداف حج در جامعه ایجاد و عملی گردد. مردم‌شناسان در این زمینه نیز تأکید دارند هیچ جامعه شناخته شده‌ای نیست که در آن نوعی مراسم و آیین‌های دینی وجود نداشته باشد. گیدنز معتقد است: «اساسی‌ترین تحولات فکری از جمله تصور زمان و مکان نخستین بار بر حسب مقولات مذهبی تعریف شدند. برای مثال مفهوم زمان در آغاز از شمارش فواصل موجود بین مراسم دینی به وجود آمدند» (گیدنز، ۱۳۷۶: ۴۷۶). بر این اساس زمان و مکان حج نقش بسزایی در اشاعه فرهنگ انسان‌ساز و تحول‌آفرین جامعه دینی داشته است زیرا اجرای یک منسک، سرآغاز ترویج عملی سایر مناسک در جهت مواسات فرهنگی - اقتصادی است.



شکل ۲. کارکردهای فرهنگ‌ساز

۶. بیان سایر مناسک و تحقق نظریه بر آن‌ها

نماز و زکات از دیگر مناسک اشاره شده در سوره حج است. مؤمنان اگر در زمین تمکنی پیدا کنند و اختیار با آن‌ها و نه طواغیت باشد، در میان همه انواع و انعاء زندگی، یک زندگی صالح را اختیار می‌کنند و جامعه‌ای صالح به وجود می‌آورند که در آن جامعه نماز به پا داشته و زکات داده می‌شود، امر به معروف و نهی از منکر انجام می‌گیرد. لذا اگر از میان همه جهات عبادی، نماز و از میان همه ابزارهای مالی، زکات را نام برد، بدین جهت است که این دو در باب (عبادات) عمده هستند. جامعه فاضل و صالحی که برای اولین بار در مدینه تشکیل شد و سپس تمامی شبه جزیره عربستان را فراگرفت، عالی‌ترین جامعه‌ای بود که در تاریخ اسلام تشکیل یافت، جامعه‌ای که در آن جامعه نماز به پا می‌شد، زکات داده می‌شد، امر به معروف و نهی از منکر می‌شد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۵۴۶). این جامعه مصداق بارز این آیه است که مناسک دینی را به صورت تام در برداشت. (صلاة) و (زکات) (امر به معروف) و (نهی از منکر) پایه‌های اساسی امر اجتماعی و ساخت جامعه سالم و صالح محسوب می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۱۱۸). امر به رکوع و سجود و به نماز از نقاط عطف شاخص و مهم سوره در باب مناسک، است. مقتضای اینکه رکوع و سجود را

در مقابل عبادت قرار داده این است. مراد از جمله (اعْبُدُوا رَبَّكُمْ)^۱ امر به سایر عبادات تشریع شده در دین به غیر نماز بوده مانند حج و روزه. نماز عبادتی که در آن انسان با خدای خود به راز و نیاز می‌پردازد. این ارتباط انسان با خدا ولو اینکه انسان آن را به‌تنهایی انجام دهد، امر اجتماعی به حساب می‌آید. در این حال خداوند کنشگری است به‌ظاهر غایب که ارتباط وی با انسان دوسویه است؛ صدای بندگان خود را می‌شنود و دعاهایشان را اجابت می‌کند. لذا برای اینکه پرستش و توجه عبادی به خدا از مرحله قلب و باطن بگذرد و در مرحله افعال هم وارد شود، علاوه بر عبادت قلبی، عبادت بدنی هم صورت گیرد، باید توجهات مختص قلبی با ملاحظه و خصوصیت آن‌ها، در قالب افعال و حرکات مناسبی انجام گردند.

فعل خیر نیز در آیه اقسامی دارد خیر عقلی که عقل حکم به خیر و نیکی بودن آن می‌کند مانند عقاید و اخلاق و بسیاری از افعال و خیر شرعی از واجبات و مستحبات و به قاعده ملازمه تلازم بین این دو است «کلما حکم به العقل حکم به الشرع و کلما حکم به الشرع حکم به العقل» (طیب، ۱۳۷۸، ج ۹: ۳۴۹). صلح‌رحم و اموری از قبیل فریادرسی درماندگان و کمک به ضعیفان و نیکی به پدر و مادر که موجب سعادت‌مندی فرد و جامعه می‌تواند از مصادیق این مهم بشمار آید. قرآن مظهر نمادین فرهنگ، همان‌گونه که درون‌مایه و محتوای آن را به نمایش گذاشته است، اصول و قواعدی را که در فرایند تطبیق و درونی‌سازی به کار رفته (باید به کار می‌رفت)، نیز به‌خوبی بیان کرده است. اگر آموزه‌های قرآنی در جامعه بازتولید شود، روش و شیوه به کار رفته در تطبیق و درونی‌سازی و اصول و قواعدی که در نهادینه‌سازی بر آن‌ها تکیه شده است، می‌تواند برای بازاصلاح فرهنگ آسیب دیده مورد بهره‌برداری قرار گیرد. مناسک در سوره حج از گام‌های ابتدایی شروع و به آخرین و برترین مراحل عبودیت رسیده است: ابتدا به رکوع و سجود دستور داده و سپس انجام کارهای نیک اعم از عبادات و غیر عبادات و در مرحله آخر افراد را به جهاد و تلاش و کوشش فردی و جمعی در بخش درون و برون، کردار و گفتار و اخلاق و نیت به میان آورده است لذا این دستور جامعی است که فلاح و رستگاری بدون شک در دنبال آن خواهد بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۱۰)

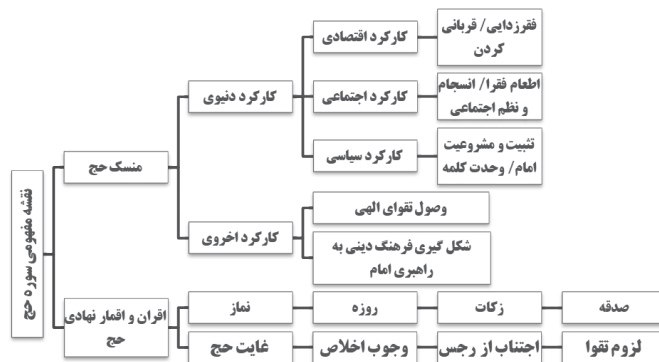
نماز و زکات که رمز همبستگی‌های اجتماعی است و این هر دو لازم و ملزوم دیگری است زیرا با این دو مهم، روح و جسم مؤمنان نیرومند می‌شود. نماز نمایانگر اجرا و تحقق آیینی قرآن در وجه اعلای آن است. احادیث متعدد نبوی بر این معنا دلالت

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا وَاشْكُرُوا وَاغْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (سوره حج/ آیه ۷۷).

تلازم ظاهر و باطن در نظریه قرآنی مناسک استنطاق آموزه‌های فرهنگی سوره مبارکه حج

دارند، از جمله: «تفاوت میان کفر و اسلام نماز است» و «تنها آن‌ها که نماز می‌خوانند از شفاعت من برخوردار خواهند شد» (مسلم، ۱۴۰۷، بخش ۳۵، ش ۱۳۴). هر منسکی باید از جانب خداوند تشریح شود، چنانکه حضرت ابراهیم پس از ساخت خانه کعبه از خداوند درخواست نمود تا مناسک حج را بدو و دیگران بیاموزد: «وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا» (البقره/۱۲۸) این مسئله حاکی از آن است که هسته مناسک و اعمال عبادی، مشروعیت خود را از تشریح الهی می‌گیرند. لذا اگر غایت خلقت، عبادت پروردگار بوده و اگر برای همه ادیان الهی، مناسک و اعمال عبادی تشریح شده است، صرفاً آن دسته از مناسک که منشأ وحیانی داشته و نیز برای رضای الهی صورت پذیرند، مورد پذیرش است: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (الانعام/۱۶۲). از همین رو، از منظر قرآن کریم، بدعت‌ها و عبادات و ریاضات غیر مفید برای تعبد (ظاهر بدون باطن یا مغایر باطن عبادی) بی‌ارزش تلقی می‌شوند.

در رابطه با مولفه‌های قوانین و شریعت اسلام، سه شاخصه تبیین شده است که می‌توان آن‌ها را به مناسک مشروع و مباح نیز عمومیت داد: اول، داشتن سود و بهره برای انسان (الحج/۲۸)، دوم، تسهیل‌گری به این معنا که در اسلام امر سنگین و طاقت فرسا (ظاهر عمل) برای فاعل وجود ندارد (الحج/۷۸) و سوم ویژه بودن قوانین اسلام، زیرا هر دینی آداب عبادت ناظر به خود را داراست و این به خودی خود موجب شکل‌گیری هویت جمعی مقتدرانه است (الحج/۶۷) لذا از مناسک تقلیدی که همبستگی و هویت مؤمنان را مخدوش می‌کند باید احتراز نمود. بر اساس موضوعات مطرح شده نقشه مناسک سوره حج اعم از کارکرد اخروی و دنیوی که هریک ریشه در بواطن مناسک دارد را در شکل شماره دو ملاحظه نمود.



شکل ۳. نقشه مناسکی سوره حج

بحث و نتیجه گیری

مقاله حاضر بر اساس پژوهش و استنتاج ممیزه مفهومی یا نظری مناسک و شعائر به مثابه اجرای داوطلبانه و خودخواسته آداب مقدس در زمان و مکان مقدس در قرآن کریم، بر سوره مبارکه حج تمرکز داشت و با توجه به زمان تنزیل و موقعیت پیش و پس تنزیل آن، سوره را بهترین موقعیت برای چنین هدایتی می‌داند. در سوره مبارکه حج بسیاری مؤلفه‌های مفهومی و روابط بین آن‌ها اصطیاد گردید لکن نقطه عطف، خصوصاً در قیاس با نظریات و برداشت‌های مدرن، تلفیق معنامند ظاهر اعمال و باطن و اهداف در ارکان مناسک است. زمان، مکان و آداب هر سه مقدس‌اند لکن این تقدس همواره از سرچشمه حقیقت اخذ می‌شود. اگر آداب به معنای بهترین شیوه اجرای هر هنجار و رفتار باشد، اخلاص رأس این آداب در مناسک دینی است و غایت حقیقی مناسک، تقواست. در سوره حج، با اصلاح آسیب‌ها و انحرافات فرهنگی مناسک مرکزی آیین و آل ابراهیم مواجهیم لکن در رأس این اصلاحات بازگرداندن تقوا به مثابه اتحاد دنیاداری و دینداری به مناسک را دنبال نمودیم و در نهایت تصویری شماتیک از ماهیت مناسک حج در شکل شماره دو در رهیافت و حیانی رسیدیم که می‌تواند نظریه پردازی‌ها و مطالعات اجتماعی مناسک و عبادات فردی و جمعی را تغذیه و پشتیبانی نماید.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ ق). المحرر الوجیز فی کتاب العزیز، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن هشام، عبدالملک (۱۳۷۵). السیره النبویه، بیروت: دارالوفاق.
- احمد بن فارس، ابن فارس (۱۴۰۴ ق). معجم مقاییس اللغه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ایازی، سید محمدعلی (۱۳۶۸). نگاهی به تفاسیر موضوعی معاصر، کیهان اندیشه، شماره ۲۸.
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ ق). صحیح البخاری. بیروت: دارالفکر.
- بهمنی، سعید (۱۳۹۹). خوانش انتقادی استنطاق و کاربست آن در نظریه شهید صدر پیرامون سنت‌های تاریخ در قرآن، پژوهش‌های قرآنی، ۲۵ (۹۵)، ۴۸-۲۹. doi: 10.22081/JQR.2019.54320.2523
- ثعالبی، عبدالرحمان بن محمد (۱۴۱۸ ق). تفسیر الثعالبی (الجواهر الحسان)، تحقیق عبدالفتاح ابوسنة و همکاران، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- جصاص، احمد بن علی رازی (۱۴۱۵ ق). احکام القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا و قبادی، علیرضا (۱۳۸۶). تحلیل جامعه‌شناختی از مراسم و مناسک دینی با تأکید بر مراسم عاشورا، فصلنامه تاریخ اسلام، ۸ (۳۰)، ۶۰-۳۷.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء، قم.
- رودنبولز، اریک دبلیو (۱۳۸۷). ارتباطات آیینی از گفتگوهای روزمره تا جشن‌های رسانه‌ای شده، ترجمه عبدالله گیویان، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۷ ق). الفائق فی غریب الحدیث، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۳۶۵). الدر الماثور فی التفسیر الماثور، جده: دارالمعرفه.
- صدر، سید محمدباقر (بی‌تا). المدرسه القرآنیه، قم: انتشارات دارالصدر.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴ ق). عیون أخبار الرضا (ع)، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طباطبایی، سیدمحمد، رسولی، محمدرضا، عقیلی، سیدوحید و مجیدی قهرودی، نسیم (۱۴۰۲). ابعاد ارتباطی مناسک در جهان معاصر: فراگرد ارتباطی در راهپیمایی اربعین، فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۲۴ (۶۱)، ۷-۳۲. doi: 10.22083/jccs.2022.338284.3588
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). میزان فی تفسیر القرآن. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

الطبرانی، أبو القاسم سليمان بن أحمد (۱۴۱۵ ق). المعجم الأوسط، تحقيق إبراهيم حسيني، قاهره: دارالرحمين. طبرسي، فضل بن حسن (۱۳۶۰). مجمع البيان في تفسير القرآن (چاپ اول)، تهران: انتشارات فراهاني. طوسي، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). التبيان في تفسير القرآن، تحقيق احمد حبيب قصير عاملي، قم: مكتب الاعلام الاسلامي.

طوسي، محمد بن حسن. التبيان في تفسير القرآن، چاپ اول، بيروت: دار احياء التراث العربي. بي تا. غياثي، هادي، برزويي، محمدرضا و نصيري، اميد (۱۴۰۰). واكاي اثرهاي مناسك ديني در زيبست خانوادگي؛ مورد مطالعه آيين پياده‌روي زيارت اربعين حسيني، فصلنامه مطالعات فرهنگ- ارتباطات، ۲۲ (۵۶)، ۲۴۰-۲۱۹. doi.org/10.22083/jccs2020.226194.3048.

فخررازي، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق). مفاتيح الغيب، بيروت: دار احياء التراث العربي. فضل الله، سيد محمد حسين (۱۴۱۹ ق). تفسير من وحي القرآن، بيروت: دار الملاك للطباعة و النشر. كليني، محمد بن يعقوب (۱۳۸۸). الكافي، به تحقيق علي اكبر غفاري، تهران: دارالكتب الاسلاميه. مجلسي، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۲۲ ق). زاد المعاد، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات. مسلم (۱۴۰۷ ق). صحيح مسلم بشرح النووي، بيروت: دارالكتاب العربي. مصطفىوي تبريزي، حس (۱۴۱۶ ق). التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي. مك اوليف، جين دمن (۱۳۹۲). دائرة المعارف قرآن (جلد اول آ-ب). ترجمه حسين خندق آبادي و همكاران، تهران: انتشارات حكمت.

مكارم شيرازي، ناصر و همكاران (۱۳۷۴). تفسير نمونه (چاپ اول)، تهران: دار الكتب الاسلاميه.

نجفي خميني، محمد جواد (۱۳۹۸). تفسير آسان، تهران: انتشارات اسلاميه.

نسائي، احمد بن شعيب (۱۳۴۸). سنن النسائي، بيروت: دارالفكر.

نيشابوري، مسلم بن حجاج (بي تا). الجامع الصحيح، بيروت: دارالفكر.